

نزدیک به دو قرن است که از اولین گردآوری علمی قصه‌های عامیانه جهان می‌گذرد. در دهه اول قرن نوزدهم میلادی دو برادر ادیب و حقوق‌دان آلمانی «یاکوب و ویلهلم گریمر»^۱ شهر به شهر، روستا به روستا و خانه به خانه کشور آلمان را زیر پای گذاشتند و قصه‌های بازمانده مردم آلمان را گرد آوردند و در سال ۱۸۱۲ کتاب «قصه‌های خانگی» را منتشر کردند.

از آن زمان گردآوری قصه‌های عامیانه که جزء مهمی از فولکلور بشمار می‌آید در اروپا با شتاب دنبال شد و علاوه بر گردآوری، پژوهش‌های متنوعی از نظر زبان‌شناسی، جامعه‌شناختی و روانشناسی درباره‌ی قصه‌ها انجام گرفت. در این گیر و دار بود که «تئودور یونگ»^۲ انگلیسی در نظریه هندی خود مدعی شد که ریشه قسمت اعظم قصه‌ها و افسانه‌هایی را که در اروپا وجود دارد باید در هندوستان جست و همه دانستند که سرزمین ایران را از نظر سیر و سفر احتمالی قصه‌ها از میداء خود هندوستان تا نزد اقوام دنیای غرب باید معبرالاقوه به شمار آورد.^۳

به دنبال نظریه بنفی توجه شرق‌شناسان به فرهنگ مردم مشرق زمین جلب شد و برای کنکاش در فرهنگ سرزمین‌های شرقی بویژه ایران راهی شدند. از این میان کنلن لریمر انگلیسی، هانری ماسه فرانسوی، آرتور کریستین سن دانمارگی و ال. پ. الول ساتن انگلیسی به گردآوری قصه‌های عامیانه ایرانیان پرداختند که برخی از آثار آنها تاکنون در ایران به چاپ رسیده است.^۴ نکته شایان ذکر آنکه این قصه‌ها با دقت بسیار از زبان مردم نقل شده و تمام اصطلاحات و

واژه‌های زبانی و گفتاری مردم ثبت و ضبط گردیده است.

از سوی دیگر کار گردآوری قصه‌های ایرانی توسط پژوهندگان و علاقمندان ایرانی با بیش از یک قرن تأخیر در ایران آغاز شد، اما از همان ابتدا گردآورندگان ایرانی روشی ناصواب را انتخاب کردند و در ثبت و ضبط روایت‌های گوناگون قصه‌ها به زبان و گویش و شخصیت راویان توجه نکردند. این روش سبب شد که از سوی مکاتب قصه‌شناسی جهان در صحت روایت‌های قصه‌های ایرانی تردید شود، تا جایی که قصه‌های گردآوری شده توسط صبحی مهتدی مورد پذیرش این مکاتب قرار نگرفت. زیرا صبحی روایت‌های متعدد هر قصه را درهم می‌آمیخت و به دلخواه خود روایتها را با نثری ادبی ساخته و پرداخته و از رادیو پخش می‌کرد و سپس به چاپ می‌رساند.^۵

این روش تنها به صبحی اختصاص نداشت، بلکه در قصه‌های گردآوری شده کوهی کرمانی و امیرقلی امینی و دیگران نیز مشاهده می‌شد. بنا به گفته اولریش مارتسولف بیشتر قصه‌های گردآوری شده ایرانی از نظر زبانی و نقل قول مستقیم مورد تردید قرار دارند و تنها تا اندازه‌ای قصه‌های گردآوری شده توسط انجوی شیرازی در حفظ زبان و گویش و تفکیک مرزهای روایتها قابل اعتماد هستند.

این عدم اطمینان قصه‌شناسان به روایت‌های گردآوری شده ایرانیان سبب شد که در اثر پربار و ارزشمند «گرنه‌شناسی قصه‌های عامیانه جهان» اثر آرتد / تامپسون، جایگاه قصه‌های ایرانی نامشخص و قدر و منزلت قصه‌های سرزمینی که به تعبیری زادگاه یا معبر بسیاری از قصه‌های جهان است ناشناخته بماند. امروزه نیز متأسفانه روش گردآوری قصه‌های ایرانی به همان روال ناصواب پیشین ادامه دارد و اصول و ضوابطی را که مکتب‌های قصه‌شناسی پی‌ریزی کرده‌اند رعایت نمی‌شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نکته‌گفتنی دیگر آنکه اهمیت قصه‌شناسی تا بدین اندازه است که بیش از پنجاه سال پیش «انجمن بین‌المللی قصه‌شناسی» برای سروسامان دادن به روش‌های گردآوری و پژوهش در زمینه قصه‌های عامیانه از سوی مکاتب قصه‌شناسی اروپا تأسیس شد و تاکنون کارها و پژوهش‌های ارزشمندی از سوی این انجمن صورت گرفته است، از جمله برپایی کنگره دوسالانه قصه‌شناسی.^۶

اما آنچه باید درباره کتاب افسانه‌های «چهل گیسو طلا» گردآوری سید حسین میرکازمی گفت آنکه گردآورنده اثری خواندنی برای علاقمندان فرهنگ و ادب ایرانی تدوین کرده است. خوانندگان این اثر با برخی از قصه‌های مردم شهرها و روستاهای مازندران و استان تازه تشکیل شده گلستان آشنا می‌شوند و ساعاتی را آسوده خاطر در خلوتگاه افسانه‌های شیرین ایرانی، یادگار نیاکان خویش سپری می‌سازند. خواندن هر یک از این قصه‌ها این ارزش را دارد که لحظاتی از تبعات ناگوار زندگی طاقت‌فرسای ماشینی بر روح و جسم خواننده بکاهد.

از میرکازمی تاکنون آثار بسیاری منتشر شده است، از جمله پنج کتاب در زمینه افسانه‌های عامیانه؛ قصه‌های ترکمن صحرا، افسانه‌های مازندران، افسانه‌های شمال، افسانه‌های دیار همیشه بهار و «چهل گیسو طلا» که هر کدام از این آثار برگ سبزی است هدیه به بوستان قصه‌های ایرانی.

اما با تمام جذابیت افسانه‌های «چهل گیسو طلا» گردآورنده از لغزهای اسلاف خویش بدور نبوده است. امید می‌رود با بر شمردن برخی از این لغزها آثار آینده ایشان بی‌نقص و بر مبنای اصول علمی به دستداران فرهنگ مردم تقدیم شود:

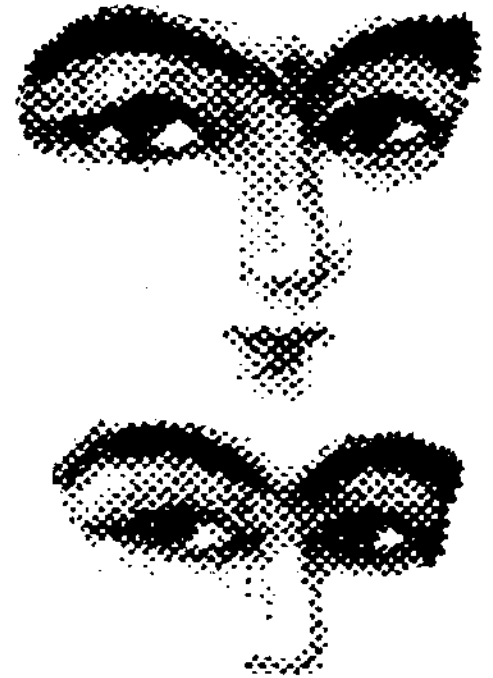
۱- گردآورنده «چهل گیسو طلا» گلچینی شامل ۲۴ قصه از ده شهر استان‌های مازندران، گلستان و منطقه ترکمن صحرا گردآورده است که برای شناسایی

سید احمد وکیلان

افسانه‌های چهل گیسو

قصه‌های منطقه بسنده نیست و از بعضی از شهرها مانند بهشهر، قائم‌شهر، پل سفید، اصل، نوشهر و تنکابن تنها یک قصه نقل شده است. بهتر آن بود که قصه‌های یک منطقه را نقل و منتشر می‌کرد تا در شناخت بهتر فرهنگ مردم مؤثر می‌افتاد.

۲- زبان و گویش مردم و راویان قصه‌ها در افسانه‌های «چهل گیسو طلا» کاملاً دگرگون، تصنعی و یکدست شده است. این در حالی است که گردآورنده در «پیش درآمد» کتاب ادعا می‌کند که هر روایت دلالت



ویژه خود را نسبت به روایت دیگر دارد.

بر پژوهندگان قصه‌های عامیانه پوشیده نماند، چنانچه روزی تمام قصه‌های ایرانی جمع‌آوری شود تصور نمی‌رود که به رقمی بیش از هزار قصه دست یابیم. پس آنچه اهمیت دارد گونه‌های مختلف روایت‌های قصه‌ها می‌باشد که بازگو کننده تفاوت‌های زبانی و فرهنگ‌های مردم است. از این روی تغییر زبان، گویش و اصطلاحات قصه‌ها کاری ناصواب است و این روش نادرست همانگونه که اشاره شد سبب از بین رفتن ارزش قصه‌های ایرانی در جهان می‌شود.

۳- قصه‌های بندر ترکمن باید مجزا از قصه‌های دیگر نواحی گلستان و مازندران ثبت و پژوهش شود، زیرا ساختار قصه‌های مردم ترکمن با قصه‌های مناطق فارس زبان متفاوت است، چه از نظر زبانی و چه از لحاظ فرهنگی. در این مورد پرفسور اولریش مارتسولف که امروزه یکی از قصه‌شناسان جهان بویژه قصه‌های ایرانی است پس از مقدمه‌ای نسبتاً مفصل دربارهٔ قصه‌های اقوام مختلف ایران اظهار می‌دارد که از نظر زبانی قصه‌های کردها، ترکها، ترکمن‌ها، بلوچ‌ها، عرب زبانهای ساکن ایران و سایر دسته‌ها و گروه‌های کوچکتر و همچنین آرامیه‌های جدیدی که در شمال غربی ایران زیست می‌کنند باید جداگانه و با زبانها و گویش‌های اصلی خود گردآوری و ارزیابی شوند.

بنابراین بهتر آن بود که گردآورندهٔ قصه‌های «چهل گیسو طلا» قصه‌های مردم ترکمن را با گویش و زبان خودشان جداگانه ثبت و ضبط می‌کرد.

۴- در تمام قصه‌های کتاب تنها ۶ واژهٔ محلی بکار رفته و این در حالی است که در قصه‌های ترکمن هیچ واژهٔ محلی دیده نمی‌شود. در صورتیکه راه درست آن بود که گردآورنده تمام قصه‌ها بویژه قصه‌های ترکمن را عیناً با گویش مردم ثبت و آوانویسی می‌کرد و آنگاه به فارسی بر می‌گرداند. یا اینکه واژه‌های کلیدی مانند نام اشیاء، حیوانات، اماکن و شخصیت‌های قصه‌ها را به

زبان مردم می‌نوشت و در پانویست به فارسی معنی می‌کرد.

۵- بسیاری از روایت‌های قصه‌های «چهل گیسو طلا» بیش از این در کتاب‌های قصه از جمله «قصه‌های ایرانی» گردآوری شادروان انجوی شیرازی به چاپ رسیده است. زینبده بود که گردآورنده اشاره‌ای به پیشینهٔ این روایت‌ها می‌کرد تا هم حق پیشکسوتان ادا شود و هم خوانندهٔ علاقمند و کنجکاو بتواند روایت‌های دیگر این قصه‌ها را در دیگر مناطق ایران بشناسد.

در خاتمه توفیق بیشتری برای گردآورنده کتاب افسانه‌های «چهل گیسو طلا» آرزو داریم و در انتظار کارهای تازهٔ این نویسندهٔ خستگی‌ناپذیر می‌باشیم. □

پانویست:

1- Jakob, Wilhelm Grim

2- Theodor Benfy

۳- اولریش مارتسولف - طبقه‌بندی قصه‌های ایرانی ص ۱۵ - سروش ۱۳۷۱.

ال. ب. اول ساتن - قصه‌های مشدی گلین خانم - ویرایش اولریش مارتسولف - احمد وکیلان نشر مرکز - ۱۳۷۳.

۴- فرهنگ مردم کرمان - در لیرم / آداب و معتقدات ایرانیان از هانری ماسه / قصه‌های مشدی گلین خانم از ساتن

۵- طبقه‌بندی قصه‌های ایرانی - ص ۱۸

۶- دوازدهمین کنگره قصه‌شناسی در تابستان ۱۳۷۷ (۱۹۹۸ میلادی) با حضور بیش از چهارصد پژوهشگر عضو از شصت کشور جهان در شهر گوتینگن آلمان برگزار شد. در این کنگره بیش از دویست مقالهٔ علمی و پژوهشی در زمینه‌های مختلف قصه‌شناسی ایراد شد. از ایران نیز قصه‌شناسان و صاحب‌نظرانی از جمله آقای دکتر بهمن سرکاراتی، خانم دکتر مهری باقری و نویسندهٔ این مقاله در کنگره حضور داشتند. در این کنگره بوضوح احساس شد که اعضاء انجمن جایگاه ویژه‌ای برای قصه‌های ایرانی قائلند و از همین روی خانم دکتر باقری به اتفاق آراء به معاونت ادواری انجمن برگزیده شدند. امید می‌رود حضور فعال خانم دکتر باقری فرصت منتهمی برای قصه‌شناسان ایرانی بوجود آورد تا جایگاه واقعی قصه‌های ایرانی بیش از پیش نمایان شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



چهل گیسو طلا

سیدحسین میرکازمی

نشر مرکز ۱۳۷۷

۱۶۲ صفحه، ۷۳۰ تومان